فصلنامه علمی ـ پژوهشی شیعه‌شناسی
صفحات ۵۳ تا ۸۲
سال شانزدهم / شماره ۶۴ / زمستان ۱۳۹۷

A Quarterly for Shi'a Studies
Vol. 16 / No. 4
Winter 2018

تحلیل نشانه‌های شیعی بازتاب‌یافته در تزیینات مکتوب و منقوش مدارس نیم‌آورد و چهارباغ اصفهان

مُحی‌الدین آقاداوودی / دانشجوی دکتری دانشگاه شاهد تهران / m.aghadavoudi@shahed.ac.ir
ایمان زکریایی کرمانی / استادیار دانشگاه هنر اصفهان / i.zakariaee@aui.ac.ir
تاریخ وصول: ۱۳۹۷/۰۱/۱۷ / تاریخ تصویب نهایی: ۱۳۹۷/۰۶/۰۱

چکیده

پژوهش حاضر، تلاش دارد ضمن تبیین نحوه انتقال پیام‌های نمادین در کتیبه‌ها و تزیینات مدارس چهارباغ و نیم‌آورد، به شناخت مهم‌ترین پیام‌های به‌کاررفته در گلچینی از آن‌ها بپردازد تا زمینه پاسخ به این پرسش فراهم آید که روند انتقال پیام نمادین در کتیبه‌ها و تزئینات منقوش مدارس چهارباغ و نیم‌آورد به چه صورت است و مهم‌ترین پیام‌های نمادین بازتاب‌یافته در نمونه‌های مورد مطالعه چیست. این پژوهش از حیث روش، توصیفی ـ تحلیلی بوده و با رویکرد نمادشناسی به انجام رسیده است. جمع‌آوری اطلاعات به شیوه میدانی و کتابخانه‌ای صورت پذیرفته و تجزیه و تحلیل یافته‌ها کیفی است. مختصری از نتایج پژوهش، گویای آن است که کارکرد نمادین، یکی از مهم‌ترین وجوه فراظهری تزئینات این دو بنا به‌مثابه رسانه هنری ـ تاریخی است؛ به شکلی که تعامل مذهب تشیع، مبانی اعتقادی و سیاست مذهبی به‌عنوان مرجع اصلی هنرمند برای انتقال پیام در قالب رسانه‌های مذکور شناخته می‌شود و درنهایت پیام‌ها بر اساس سیری منظم، به مخاطبان انتقال می‌یابد. مهم‌ترین پیام‌های نمادینی که از این رسانه‌ها قابل دریافت است، شامل بیان فضیلت، جانشینی (خلافت)، امامت و بیان ویژگی‌های برتر حضرت علی علیه‌السلام در جهت الگوسازی از شخصیت ایشان به‌عنوان نماد هنر شیعی است. هم‌چنین در بحث ترکیب‌بندی تزئینات نیز از نمادپردازی عددی شیعه بهره‌گیری شده است.

کلیدواژه‌ها: تزئینات معماری، کتیبه، نمادشناسی، نشانه‌های شیعی، مدارس عصر صفویه، مدرسه چهارباغ، مدرسه نیم‌آورد.

مقدمه

آشنایی با فرهنگ، باورها و سنت‌ها، از طریق مطالعه کارکرد نمادین در هنرها امکان‌پذیر است؛ زیرا عناصر به‌کاررفته در این هنرها به‌صورت مکتوب و یا منقوش، سرشار از مفاهیمی هستند که لازمه درک آن‌ها، تلاش برای مطالعه و تسلط بر محتوای عناصر یادشده است. نمادپردازی‌های انجام‌گرفته در آثار هنری و تاریخی ایران، با توجه به مبنای دینی ـ مذهبی، اغلب بر مسائل آرمانی و اعتقادی مردم تکیه دارد و این موضوع، تقویت‌کننده هدف ترسیم‌شده در پژوهش حاضر است. کدگذاری (نمادپردازی) که یکی از مهم‌ترین روش‌های تقویت ابعاد فراظاهری به شمار می‌آید، همواره توجه هنرمندان و سازندگان آثار هنری را به خود جلب کرده است که نمودهای گوناگون آن را در آثار مختلف و به‌خصوص در هنرهایی که وابستگی مبنایی به دین و مذهب دارند، می‌توان مشاهده نمود که ازجمله علل آن می‌تواند لزوم انتقال تعابیر گسترده در حداقل زمان باشد. بی‌شک دین به‌عنوان پرنفوذترین جریان فکری جامعه، نقش بسیار پررنگی در تولید، حفظ و گسترش نمادها دارد که به‌طور مستقیم بر باورها و فرهنگ آن جامعه تأثیرگذار است. (دوازده‌امامی و زکریایی، ۱۳۹۳، ص۳)

برپایی حکومت صفوی در اوایل سده دهم هجری، نقطه عطفی در تاریخ ایران اسلامی است؛ زیرا علاوه بر ایجاد حکومتی یک‌پارچه در ایران، تشیع دوازده‌امامی نیز رسمیت یافت. این سلسله در ابتدا با اعمال قدرت، تلاش کرد تا مذهب تشیع را گسترش دهد؛ از این رو، شمشیر صفویان در آغاز بیش از هر عامل دیگری در تغییر مذهب اهل‌سنت به کار گرفته شد. (بخشی استاد و رضایی، ۱۳۹۳، ص۲۱۶–۲۱۷) اما این حکومت به مرور زمان، به این حقیقت دست یافت که زور و شمشیر، راه‌کار مناسبی نیست؛ بنابراین، حکومت صفویه به تعلیم و تربیت به‌عنوان نهادی تأثیرگذار، توجه نمود و آنان برای پیشبرد اهداف خود و آموزش قشر وسیع جامعه، به ایجاد مراکز آموزشی اهتمام ورزیدند که در آن تعلیم علوم دینی و معارف تشیع محوریت داشت.

یکی از مهم‌ترین راه‌های تأثیرگذاری بر مردم در زمان صفویه، مدارس و بناهای مذهبی و مراجع و شخصیت‌های مهم حاضر در آن‌ها بوده‌اند که علاوه بر کلام، از آثار نمادین کتیبه‌نگاری‌ها و نقوش نیز برای انتقال مفاهیم بهره می‌گرفته‌اند. تمرکز دولت صفویه و اهمیتی که آن‌ها برای مدارس قائل بودند، ابتدا به دلیل گستردگی حوزه‌های فعالیت و نفوذ این‌گونه بناها در پیکره جامعه بوده است اما دلیل مهم‌تر آن، توصیه‌های جدی دین اسلام در عزت و مقام والای علم و دعوت به علم‌آموزی در جامعه دین‌مدار است. از این رو، تأسیس مدارس به‌عنوان مهم‌ترین نهاد آموزشی و پشتیبان ایدئولوژیک حکومت صفوی، همواره در کانون توجه پادشاهان و خاندان صفوی قرار داشت و مدارس زیادی با حمایت‌های مالی شاه، خاندان سلطنتی، درباریان، صاحبان منصب و ثروتمندان خیر، به‌خصوص در پایتخت اصلی این سلسله (اصفهان) بنا گردید. ویژگی مشترک حاکم در اغلب این مدارس، علاوه بر اختصاص داشتن به مذهب رسمی کشور (تشیع دوازده امامی)، ساختار معماری نیکو، تزئینات معماری منقوش و کتیبه‌نگاری‌های شاخص بود. (اشکوری، ۱۳۸۷، ص۸۹-۹۰) به این دلیل باید بیان داشت که به‌واسطه جایگاه شاخص، بناهای علمی ـ مذهبی عصر صفویه می‌توانند از جمله اولویت‌ها و ضرورت‌های پژوهشی باشند که تاکنون به نسبت دیگر گونه‌های بنایی عصر صفویه، کم‌تر به آن‌ها توجه شده است.

با ذکر این مقدمه درباره اهمیت و ضرورت پژوهش، هدف‌گذاری مطالعه حاضر، ناظر بر شناخت کارکرد نمادین (نمادپردازی) به‌کاررفته در تزئینات کتیبه‌نگاری و هم‌چنین تزئینات منقوش این بناهاست؛ لذا با توجه به تعدد بناها، گستردگی نمونه‌ها و هم‌چنین رویکرد پژوهش حاضر مبنی بر عرضه مطالب منسجم و پرهیز از کلی‌گویی، جامعه آماری مورد نظر از دو بنای شاخص این عهد برگزیده شده است. مدرسه چهارباغ که مهم‌ترین بنای مجموعه شهری مادرشاه به حساب می‌آید، حد فاصل خیابان چهارباغ و کاروان‌سرای عباسی قرار دارد که «در فاصله سال‌های ۱۱۱۶ تا ۱۱۲۶ هجری قمری به دستور شاه‌سلطان حسین و با حمایت و نظارت مستقیم وی، برای تدریس و تعلیم طلاب علوم دینی بنا شده است». (موسوی فریدنی، ۱۳۷۸، ص۱۰۷)

مدرسه نیم‌آورد یکی دیگر از مدارس مهم دوره صفویه است که تاریخ بنای آن اوایل قرن دوازدهم است و هنوز بر استحکام و زیبایی و آبادی خود باقی است. این بنا در مجاورت خیابان عبدالرزاق و محله نیم‌آورد واقع شده و به دلیل استقرار در این محله تاریخی، به این نام شهرت یافته است. (ایمانیه، ۱۳۵۵، ص۲۷) معیارهایی که مدارس چهارباغ و نیم‌آورد اصفهان را نامزد حضور در این پژوهش ساخته، در کنار جایگاه ویژه دو بنا، تناسب شاخصه‌های تزئینات و کتیبه‌نگاری‌های موجود در آن‌ها با رویکرد پژوهش پیش‌روست؛ هم‌چنین هویت ویژه آن‌ها به‌عنوان آخرین بناهای عصر صفویه و حلقه اتصال این دوره به ادوار پس از آن و ظرفیت آن‌ها برای سبک‌شناسی هنر و معماری اواخر عصر صفویه و تأثیر و تأثرات عصر صفویه و ادوار پس از آن نیز در کانون توجه نویسندگان بوده است.

ترسیم سیر عرضه مطالب در پژوهش حاضر، بدین‌صورت انجام خواهد گرفت که پس از پیشینه‌یابی مختصری از مطالعات پیشین و بیان وجوه نوآورانه این پژوهش، مهم‌ترین مفاهیم مورد بحث معرفی می‌گردند؛ سپس هر بنا به اختصار بازشناسی می‌شود و جامعه آماری هر بنا، متناسب با رویکرد نمادشناسی و تحلیل کارکرد نمادین در آن‌ها استخراج می‌گردد، بدین منظور اغلب مدارک در دسترس نگارندگان، در مورد این دو بنا اعم از منابع مکتوب و مصور، بررسی و مطالعه گردید؛ سپس چگونگی ساختار معماری و تزیینات دو مدرسه به‌صورت مشاهده و عکس‌برداری میدانی در محل، مطالعه شد. در تکمیل بخش‌های فوق، نمونه‌های منتخب به تناسب ویژگی‌ها، در قالب جدول و متن، با دو رویکرد تحلیل محتوا و تجزیه و تحلیل بصری شناخته می‌شوند تا زمینه‌ساز پاسخ به این پرسش اصلی باشند که کارکرد نمادین (نمادپردازی) در آرایه‌ها و تزیینات کتیبه‌نگاری این دو بنا چه جایگاهی داشته و بر اساس این کارکرد، مهم‌ترین پیام‌های نمادین بازتاب‌یافته شامل چه مواردی است در نهایت مکمل مباحث، بخش تحلیل و نتیجه‌گیری است که پاسخ به سؤالات و اهداف اصلی مطرح در پژوهش را شامل می‌باشد.

پیشینه پژوهش

دو حوزه اصلی مورد بحث در پژوهش حاضر، مدارس نیم‌آورد و چهارباغ و نمادشناسی در تزئینات معماری ایرانی ـ اسلامی است. از جمله مهم‌ترین پژوهش‌هایی که درباره این دو بنا به انجام رسیده، یکی کتاب گنجینه آثار تاریخی اصفهان (۱۳۵۰) اثر لطف‌الله هنرفر است که اطلاعات تاریخی ـ توصیفی مفیدی در مورد تاریخ ساخت دو بنا، وسعت، شکل ظاهری و متن کتیبه‌های تاریخی آن‌ها را دربردارد. نویسنده از این دو بنا به‌عنوان شاخص‌ترین بناهای این عصر یاد نموده است. کتاب دیگر از کاظم ملازاده با عنوان مدارس و بناهای مذهبی (۱۳۸۱) است. این کتاب نیز در مورد ویژگی‌های ظاهری و اهمیت جایگاه مدارس اسلامی و از جمله دو بنای نیم‌آورد و چهارباغ سخن گفته است.

پژوهش‌های متعددی در مورد نماد و نمادشناسی در هنر ایرانی ـ اسلامی به انجام رسیده است؛ از جمله فاطمه تشکری در مقاله‌ای با عنوان «نمادپردازی در هنر اسلام» (۱۳۹۰)، ضمن اشاره کلی به مبانی نماد در هنر اسلامی و ریشه‌های الهی این حوزه، شماری از نمونه‌های تصویری را به اختصار بررسی کرده که در هنر اسلامی جایگاهی نمادین دارند. هم‌چنین مقاله‌ای با عنوان «نماد و نمود نام علی علیه‌السلام در هنر فلزکاری صفویه و قاجار» (۱۳۸۷) نوشته مریم فراست است، که به‌گونه‌ای بازتاب نام علی علیه‌السلام در قالب کتیبه‌های آثار فلزی دو دوره تاریخی را بررسی کرده است، نتایج حاصل از این مقاله، نشان‌دهنده تأثیرپذیری هنرمندان عهد قاجار از مضامین کتیبه‌های آثار صفویه است. مقاله دیگر از مهدی دوازده امامی و ایمان زکریایی با عنوان «نماد طاووس و نقش رسانه‌ای آن در معماری شیعی» (۱۳۹۳) است. در این پژوهش نیز اطلاعات بسیار مفیدی در مورد مبنای نمادپردازی در بناهای مذهبی عصر صفویه، با تمرکز بر نقش طاووس آورده شده است. طبق مطالعات انجام‌گرفته در مورد پیشینه‌یابی مقاله حاضر، با وجود ظرفیت‌های پژوهشی بالای هنرهای اسلامی به‌کاررفته در دو بنای چهارباغ و نیم‌آورد در بعد تحلیل محتوا، هم‌چنان با مطالعاتی مواجه هستیم که با نگرش و رویکردهای تاریخی ـ توصیفی به انجام رسیده که البته تعداد آن‌ها نیز بسیار اندک است؛ از این‌رو، جای خالی نگرش‌هایی عمیق‌تر با رویکردهای تازه هم‌چون: نمادشناسی در این هنرها، در بستر تفکر شناخت محتوایی از هنر اسلامی، دیده می‌شود که این نکته آشکارا نشان از ضرورت پژوهش حاضر دارد.

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از حیث هدف، توسعه‌ای است و روش منتخب در آن از نوع توصیفی ـ تحلیلی. هم‌چنین رویکرد برگزیده نمادشناسی و تحلیل کارکرد نمادین است. نمادشناسی یکی از دانش‌هایی به شمار می‌آید که در حیطه درک معانی قراردادی جمعی و نه معانی انفرادی، به طور تخصصی کاربرد دارد. این دانش، پیوسته درصدد کشف این معانی و روابط بین آن‌هاست و به‌خصوص در زمینه هنر بسیار پرکاربرد است. نظر به این‌که این پژوهش یک مطالعه موردی است، نمونه‌گیری صورت نمی‌پذیرد و در مورد انتخاب کتیبه‌ها و تزیینات، انتخاب نمونه‌ها به‌صورت هدف‌مند انجام شده است. روش تحلیل در این مقاله به تناسب نمونه‌ها، شامل دو شیوه تحلیل محتوا و تجزیه و تحلیل تصویر است. در قسمت گردآوری داده‌ها، از دو روش میدانی و مطالعات کتابخانه‌ای بهره‌گیری شده است. روش میدانی به صورت مشاهده، مصاحبه و تصویربرداری در هر دو بنا صورت پذیرفته و در قسمت کتابخانه‌ای نیز از منابع مختلفی هم‌چون: کتب، مقالات، پایان‌نامه‌ها، طرح‌های تحقیقاتی و هم‌چنین پایگاه‌ها و سایت‌های اطلاعاتی استفاده شده است.

نمودار ۱. طرح کلی روش‌شناسی پژوهش (منبع: نگارندگان)

مفاهیم پژوهش

۱. زبان نمادین در هنر اسلام

نماد تجلی یا واسطه، امری معنوی محسوب می‌شود و نمادپردازی و کارکرد نمادین آثار هنری، از جایی آغاز می‌گردد که امکانات بیان محدود است و زبان عاجز می‌شود. نکته قابل‌توجه دیگر این‌که «در برخورد با نماد، نباید از آن مفهومی محدود و تجربی سراغ گرفت، بلکه همواره باید ویژگی بنیادی آن (از خود فراتر رفتن) مورد توجه قرار گیرد و این همان ویژگی فراروندگی نماد است. نماد خود را نشان می‌دهد و تلاش در فراهم کردن معانی و طیف‌های دیگر و کشاندن مخاطبانش به ماورای معانی دارد». (کریمی، ۱۳۸۱، ص۱۱۲) هنر اسلامی دارای گنجینه عظیمی از معانی عمیق عرفانی و حکم الهی است؛ زیرا این هنر، از بنیان‌های ژرف اعتقادی، معنوی و الهی سرچشمه می‌گیرد. زبان این هنر، نمادین و رمزگونه است و این رموز و نمادها، حامل معنای ذاتی این هنر است؛ بر این اساس، تنها راه بررسی محتوا و معانی به‌کاررفته در آن، تلاش در جهت شناخت نمادها و کارکردهای نمادین است. در واقع می‌توان گفت: زبان نمادین، زبانی است که هنرهای گوناگون دینی برمی‌گزینند و مفاهیم درونی خود را در قالب آن بیان می‌نمایند. (تشکری، ۱۳۹۰، ص۳۴) به طورکلی می‌توان بیان داشت که «یکی از مهم‌ترین زمینه‌های رابطه هنر و مذهب را در سمبل‌سازی انسان می‌توان جست‌وجو نمود. هنر با تکیه بر مبانی دین، زمینه و فضای مناسب رشد و کمال انسان را فراهم می‌کند. در واقع، هنر با الهام از اصول و باطن دین، قادر به ایجاد فضایی می‌گردد که انسان را به باطن اشیاء و مفاهیم آن، متوجه می‌سازد». (تقی‌زاده، ۱۳۸۷، ص۸۵–۸۷) از دیدگاه سنت‌گرایان، نماد در هنر اسلامی، زبان روح است و واقعیت را با بیانی بی‌واسطه تعریف می‌نماید؛ مثلاً در نظر بورکهارت، بیان واقعیت معنوی می‌باید در ژرف‌ترین معنای عبارت فهمیده شود؛ از این‌رو، نمادگرایی اسلامی همواره به اندیشه بنیاد اسلام، یعنی تصور وحدانیت اشاره دارد (بورکهارت، ۱۳۶۵)؛ چنان‌که در تفکر اسلامی، کل عالم نمادی از خداست. از این‌رو، نمادگرایی در هنر اسلام از اصول

بنیادین و امری ضروری و واجب است و از آنجا که هر صورتی دربردارنده مفهومی ویژه است، در هنر، مشابهت صورت و معنا، تداعی معنایی در صور و خطوط رمزپردازی تعبیر شده است و هیچ اثر مقدسی نیست که حاوی تصاویر غیردینی باشد؛ پس هر هنر مقدسی، بر دانش و شناخت صورت‌ها یا به بیانی دیگر بر آیین رمزی صورت‌ها مبتنی است. این رمز نشانه‌ای قراردادی نیست، بلکه مظهر صورت مثالی[1] است. (بورکهارت، ۱۳۶۹)

نکته مهم دیگر در بحث درباره نماد و نمادپردازی در هنرهای اسلامی، این است که سمبل‌ها و نمادها، منشأ و مبدعی الهی دارند، به‌گونه‌ای که سرمنشأ و خاستگاه این هنر در ارتباط کامل با جهان‌بینی اسلام است و در این سیر، ژرف‌ترین معنایی که محور و اصل بنیادین آن محسوب می‌شود، «وحدانیت» است و بر مبنای این مفهوم است که موضوع کثرت در وحدت و وحدت در کثرت، به‌گونه‌ای وسیع در هنر اسلامی مطرح می‌گردد. (تشکری، ۱۳۹۰، ص۳۵) موضوع دیگری که در مورد هنر ایرانی ـ اسلامی اصل است، رابطه بین دین، باور، فرهنگ و نماد است که به شکلی هماهنگ و پیوسته عمل می‌نمایند، به‌گونه‌ای که تقویت هر رکن، تقویت دیگر ارکان را موجب می‌شود.

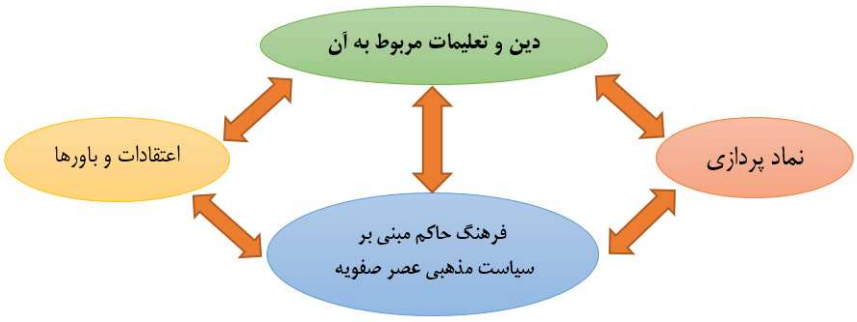

نمودار ۲. روابط میان دین با نماد، باور و فرهنگ در عصر صفویه
(منبع: دوازده‌امامی و زکریایی، ۱۳۹۳: ۲)، (باز ترسیم: نگارندگان).

1. Archetype.

۲. مبانی هنر شیعی و نمادپردازی این هنر

یکی از مهم‌ترین شاخصه‌های دولت صفوی که آن را از دیگر دولت‌های اسلامی هم‌دوره متمایز می‌ساخت، شیعه بودن و قدرت حکومتی یافتن این مذهب بود. با به قدرت رسیدن صفویه، شیعه دوازده‌امامی برای نخستین بار پس از ظهور اسلام توانست قدرت سیاسی کاملی به دست آورد. (هولود، ۱۳۸۵، ص۱۸۹) در چنین جامعه‌ای که تشیع، مذهب رسمی کشور به شمار می‌رفت، ویژگی‌ها و عناصر خاصی که مبین فکر و فرهنگ شیعی است، مشهود بود که جنبه‌های آشکار آن را در هنر، به‌ویژه در تزئینات و کتیبه‌نگاری‌های بناهای مذهبی این عصر می‌توان ملاحظه کرد.

به دلیل نبود پژوهش‌هایی منسجم در مورد کشف نماد و مضامین شیعی، مرز بین هنر اسلامی و هنر شیعی در ایران به طور کامل مشخص نشده است. شیعه در لغت به معنای اتباع، انصار و پیروی کردن است و هر گروهی که در امری جمع آیند و از فردی پیروی کنند، شیعه نامیده می‌شوند. هم‌چنین شیعه در قرآن به معنای گروه، جماعت، فرقه و پیرو آمده است. شیعه در معنای تابع و پیرو نیز به گروهی می‌گویند که از رهبری پیروی کنند؛ ولی در عرف مردم، همان‌طور که در مجمع‌البیان نیز آمده، شیعه عبارت است از: کسانی که از حضرت علی علیه‌السلام پیروی کرده، به طرف‌داری از آن حضرت، با دشمنان او مبارزه نموده و پس از او، از فرزندان ایشان که جانشین آن حضرت بوده‌اند پیروی کرده‌اند. (ترکمنی آذر، ۱۳۸۳)

عناصر هنر شیعی که بر هنر ایرانی ـ اسلامی تأثیر نهاده و یا از طریق آن راهی برای بیان خود یافته‌اند، ترکیبی از اعتقادات، اسطوره‌ها و حوادث تاریخ شیعه‌اند. باور به «امامت» و مسأله بر حق بودن ائمه برای هدایت امت پس از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله، یکی از مهم‌ترین مبانی اعتقادی این مذهب است که نقش مهمی در زندگی دینی و اجتماعی شیعیان دارد. کشتی نجات بودن ائمه، و شفاعت آنان، از جمله اعتقاداتی هستند که از منابعی هم‌چون: قرآن، احادیث، سیره پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و ائمه اطهار علیهم‌السلام استخراج شده و از طریق مبلغان، واعظان و فقها به توده مردم انتقال داده شده است. (کوثری، ۱۳۹۰، ص۱۳–۱۴) بر اساس آیه ۳۳ سوره احزاب «إِنَّما یرِیدُ اللَّهُ لِیذْهِبَ عَنکُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَیتِ وَیطَهِّرَکُمْ تَطْهِیرًا»، هم‌چنین «*حدیث ثقلین*» و «*حدیث جابر*» که از حضرت رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله

روایت شده است، شیعیان، پیامبر ﷺ و فرزندان ایشان تا حضرت حجت علیه‌السلام را معصوم دانسته و اطاعت از آن‌ها را واجب شمرده‌اند (صالحی و هم‌کاران، ۱۳۹۵، ص۱۰۱) که از جمله مهم‌ترین مصادیق این تبعیت، پذیرش جانشینی برحق حضرت علی علیه‌السلام است که خداوند به طور مستقیم ایشان را برگزیده و پیامبر ﷺ به امت اسلامی معرفی کرده‌اند.

مدارس در کنار مساجد، مهم‌ترین تجلی‌گاه هنر شیعی در عصر صفویه بوده است؛ زیرا مدارس در جایگاه مهم‌ترین مراکز ایدئولوژی عصر صفویه، سه عنصر سیاست، دین و گرایش‌ها و اعتقادات توده مردم و مراجع و رهبران آن‌ها را در خود داشته‌اند؛ از این رو، تلاش برای درج اسامی ائمه اطهار و به‌ویژه حضرت علی علیه‌السلام در مدارس این دوره، از دو منظر نشانه‌شناسی سیاسی و نمادشناسی هنر شیعی توجیهی روشن داشته است. (کوثری، ۱۳۹۰، ص۱۵)

عناصر معماری اجراشده در این بناها، از سویی عرصه را برای بیان نمادین اعتقادات و فرهنگ هنرمند شیعه فراهم می‌کند و از سوی دیگر، جایگاه تجلی خطوط و نقوش نمادینی هستند که به نوعی پایه‌های این مکان مقدس را مستحکم‌تر سازند. بی‌شک هیچ‌چیز به‌اندازه کتیبه‌ها و تزئینات در معماری نمی‌تواند رسالت تفکر و ذوق هنری را به نمایش بگذارد؛ زیرا ممکن است ساختار دقیق بنا برای مخاطب عام قابل‌درک نباشد، ولی همین کتیبه‌ها و آرایه‌های گوناگون، در نگاه نخست بیننده را جذب می‌نماید. برای شناخت بیش‌تر انواع مفاهیم مطرح در این کتیبه‌ها و آرایه‌ها، در نمودار (۳) گونه‌شناسی نمودهای مختلف نمادپردازی در تزئینات معماری و کتیبه‌های بناهای شیعی ارائه شده است.

۳. مختصری درباره مدرسه چهارباغ

مسجد ـ مدرسه چهارباغ که مهم‌ترین بنای مجموعه شهری مادرشاه به‌حساب می‌آید، حد فاصل خیابان چهارباغ و کاروان‌سرای عباسی قرار دارد. این بنا در فاصله سال‌های ۱۱۱۶ تا ۱۱۲۶ قمری به دستور شاه سلطان حسین و با حمایت مستقیم وی، برای تدریس طلاب علوم دینی بنا شده است. (موسوی فریدنی، ۱۳۷۸، ص۱۰۷) این نهاد آموزشی، با نام‌های «چهارباغ»، «سلطانی» و «مادرشاه» نیز نامیده شده است. راجر سیوری، مسجد- مدرسه

چهارباغ را باشکوه‌ترین بنای دوره جانشینان شاه‌عباس اول در اصفهان نامیده است. (سیوری، ۱۳۷۲، ص۱۶۵) پروفسور نصر، این بنا را جزء شاه‌کارهای هنر اسلامی می‌داند. (نصر، ۱۳۵۹، ص۶۴) جهانگردان بزرگی چون: دیولافو، گوبینو و فلاندن، این بنا را بسیار دل‌پذیر، جذاب و سحرآمیز توصیف کرده‌اند. (ریاحی، ۱۳۸۵، ص۲۰۱)

هنرهای وابسته به معماری به‌عنوان روح دمیده‌شده در کالبد بناهای اسلامی، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار هستند. (Pope, 1994, p.88) طیف هنرهای وابسته به معماری در مسجد ـ مدرسه چهارباغ از نظر تکنیک بسیار وسیع است؛ به همین دلیل، پرداختن به همه آن‌ها در قالب یک مقاله میسر نیست. بر این اساس، مهم‌ترین آن‌ها در نمودار ۲ ارائه شده است.

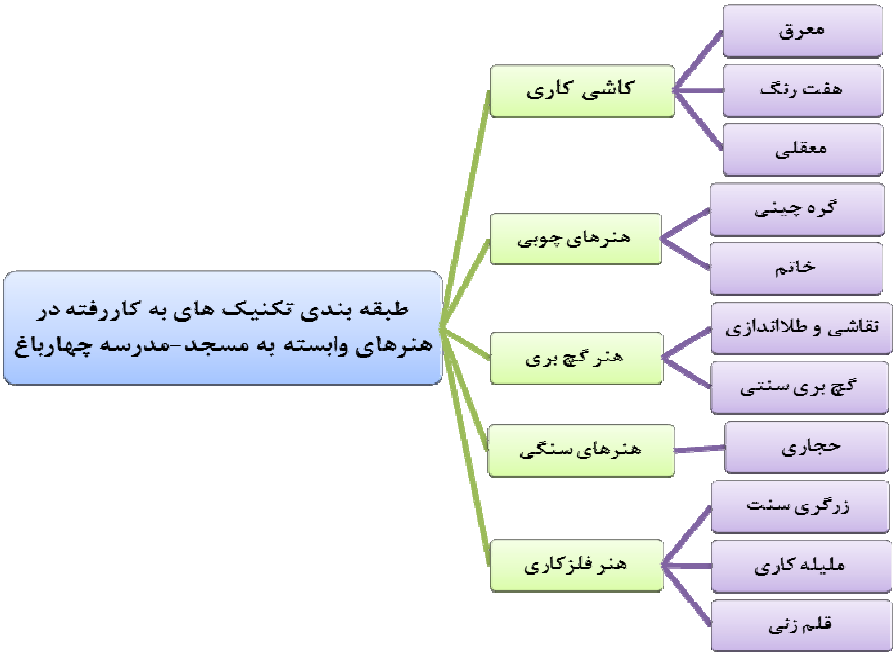

نمودار ۳. طبقه‌بندی تزئینات مسجد- مدرسه چهارباغ از نظر تکنیک (منبع: نگارندگان)

نقوش و محتوای تزئینات اجراشده در بنای چهارباغ بسیار متنوع است که در قالب نمودار ۳ نمایی کلی از آن‌ها ارائه گردیده است. بیش‌ترین نقوش به‌کاررفته در این بنا از نوع هندسی است. طبق نظر نویسندگانی چون پروفسور پوپ، نقوش هندسی به‌کاررفته در بنای

چهارباغ، بسیار متنوع و در نهایت دقت و قوت اجرا شده است. (پوپ و آکرمن، ۱۳۸۷، ص۱۴۰۷) هم‌چنین محتوای کتیبه‌های بنا شامل آیات قرآنی، اسماءالله، احادیث و روایات، ستایش حضرت علی علیه‌السلام به‌عنوان امام اول شیعیان و نماد سیاست شیعه‌گری در عصر صفویه و هم‌چنین قدردانی از شاه سلطان حسین به‌عنوان حامی اصلی بناست.

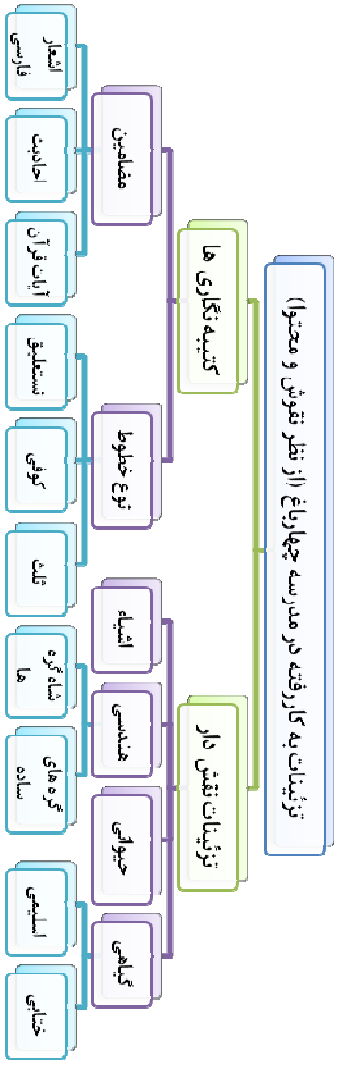

نمودار ۴. طبقه‌بندی تزئینات مدرسه چهارباغ از نظر محتوا و نقوش (منبع: نگارندگان)

۴. مختصری درباره مدرسه نیم‌آورد

مدرسه نیم‌آورد، از جمله بناهای مهم صفویه به شمار می‌رود که تاریخ بنای آن اوایل قرن دوازدهم است. این بنا در مجاورت خیابان عبدالرزاق و محله نیم‌آورد واقع شده است. این مدرسه در کتاب فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران، جزء بناهای دوره شاه‌سلیمان آورده شده است. (حاجی قاسمی، ۱۳۷۹، ص۹۴ به نقل از مشکوتی، ۱۳۴۹) نویسنده تاریخ اصفهان و ری، این بنا را متعلق به دوره شاه سلطان حسین دانسته و تاریخ آن را سال ۱۱۱۷ قمری ذکر نموده است. در این کتاب آمده که اورنگ زیب پادشاه هند در پاداش معالجه دخترش، طلا و جواهر بسیاری به حکیم‌الملک و همسر وی بخشید و زوج خیر، موفق به ساخت دو مدرسه در شهر اصفهان شدند؛ به‌گونه‌ای که حکیم‌الملک مدرسه کاسه‌گران را بنا نمود و همسر وی (زینب‌بیگم اردستانی) به ساخت مدرسه نیم‌آورد اقدام نمود. (جابری انصاری، ۱۳۷۸، ص۱۴۱؛ ریاحی، ۱۳۸۹، ص۱۵۴) این بنا علاوه بر ساختار عظیم و مهم، دارای تزئینات بسیاری است. البته تنوع و تکثر این تزئینات، به گستردگی مدرسه چهارباغ نیست، ولی هنرهای به‌کاررفته در این بنا نیز دارای تکنیک‌های گوناگونی هستند که نمایی کلی از آن‌ها در نمودار شماره ۴ نمایش داده شده است.

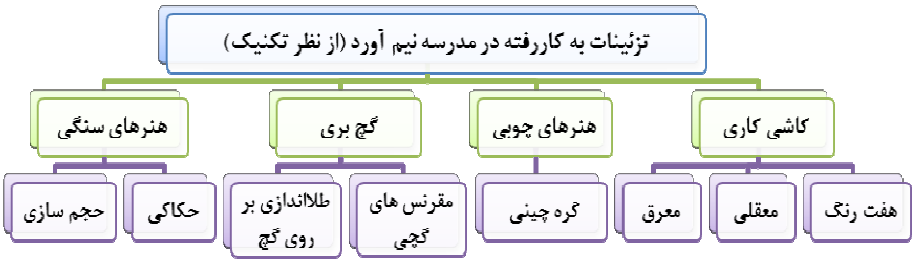

نمودار ۵. طبقه‌بندی تزئینات مدرسه نیم‌آورد از نظر تکنیک (منبع: نگارندگان)

با مبنا قرار دادن این اصل که ساختار ظاهری و محتوا در هنرهای اسلامی ارتباط چشم‌گیری دارند (Burckhardt, 1986)، در نمودار شماره ۵ تزئینات معماری مدرسه نیم‌آورد از حیث نقش و محتوا به طور مختصر بررسی شده است.

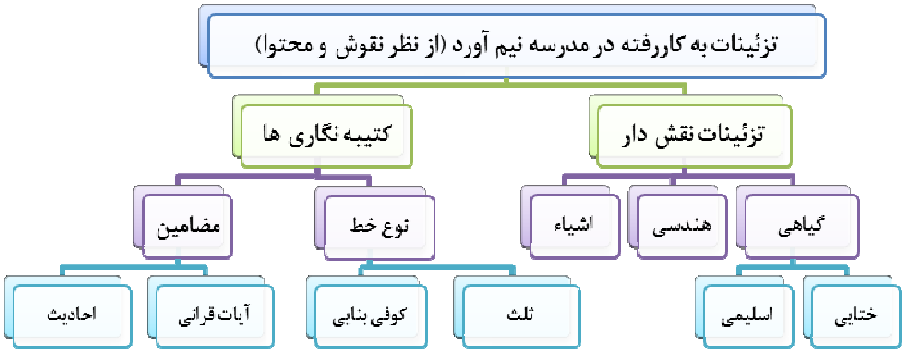

نمودار ۶. طبقه‌بندی تزئینات مدرسه نیم‌آورد از نظر محتوا و نقوش (منبع: نگارندگان)

۱-۵. کارکردهای مرتبط با ساختار و محتوای تزئینات وابسته به معماری دو بنا

از تفاوت‌های بارز هنر سنتی و نمودهای آن هم‌چون کتیبه‌نگاری با هنر مدرن، این است که این هنر ذاتاً کاربردی است. هنر مدرن به دو دسته هنری محض و هنر کاربردی تقسیم شده و صورت هنر محض آن جایگاه بالاتری دارد، در حالی که در دوران پیش از مدرن، به ندرت هنری غیرکاربردی یافت می‌شده است. (بهشتی، ۱۳۸۲، ص ۱۴۰) آرایه‌های معماری اسلامی و به‌ویژه کتیبه‌ها، گنجینه‌هایی غنی از هنر ایرانی ـ اسلامی هستند که علاوه بر ارزش‌ها و زیبایی صوری، راز و رمزها و کارکردهای گوناگونی را در بعد فرهنگی و دینی نمایان می‌سازند. (ایمنی، ۱۳۸۹، ص ۸۶) تکرار فراوان کتیبه‌های مأخوذ از قرآن کریم بر روی دیوارها و دیگر سطوح مساجد و مدارس اسلامی، انسان را یادآور این حقیقت می‌سازند؛ که تار و پود حیات اسلامی، از آیات قرآنی تشکیل شده است. تزئینات مکتوب و منقوش دو بنای مورد مطالعه در این پژوهش، علاوه بر کارکردهای مرتبط با وجه ساختار، دارای کارکردهای مختلفی از حیث محتوا و درون‌مایه هستند که مهم‌ترین آن‌ها در نمودار شماره۷ دیده می‌شود. نکته مهم دیگر این‌که با وجود تفاوت‌های موجود میان این کارکردها، در واقع نمی‌توان تفکیک دقیقی میان آن‌ها قائل شد، چنان‌که شماری از آن‌ها مکمل یک‌دیگرند و یا با یک‌دیگر هم‌پوشانی معنایی دارند.

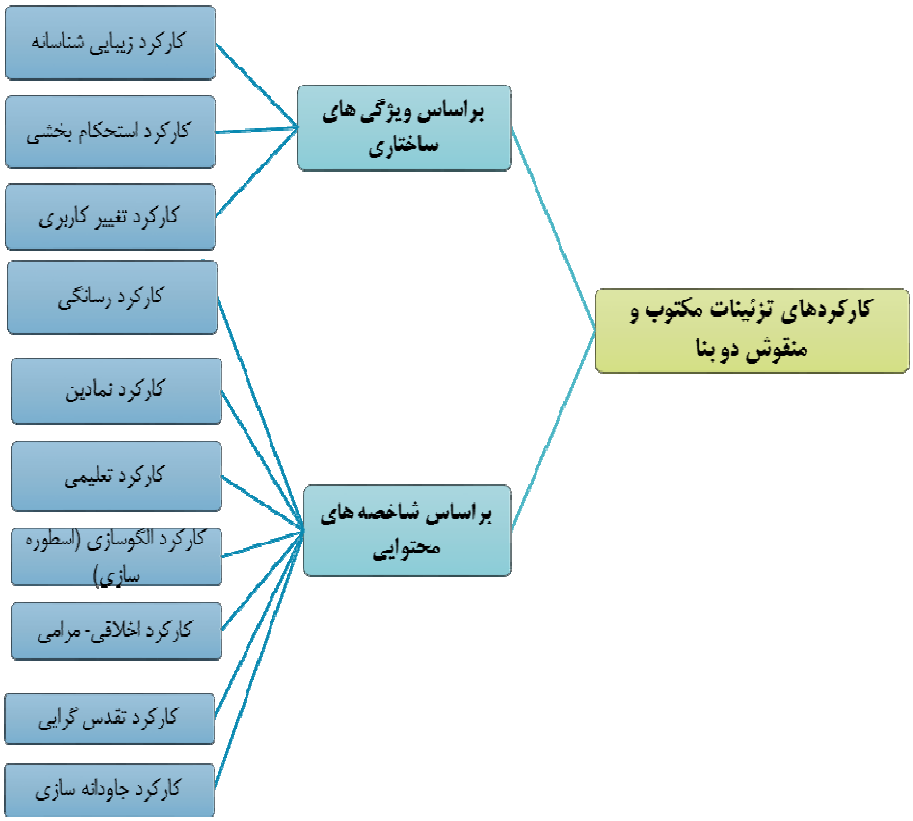

نمودار۷. کارکردهای مرتبط با ساختار و محتوای تزئینات وابسته به معماری دو بنا (منبع: نگارندگان)

تجزیه و تحلیل نمونه‌ها

در ادامه بر مبنای شناخت اصول و مبانی هنر اسلام و مذهب شیعه که در گذشته بیان گردید، نحوه انتقال پیام‌های نمادین در کتیبه‌ها و تزئینات مدارس چهارباغ و نیم‌آورد در نمودار شماره ۸ نمایش داده شده است. در این نمودار، بر اساس تعامل هنرمند با مراجع اطلاعاتی (شریعت، کلام وحی، آموزه‌های تشیع و منابع حدیثی) و تأثیرپذیری از سیاست مذهبی و فرهنگ حاکم در جامعه (عصر صفویه)، فرآیند نمادپردازی (کدگذاری) را در قالب رسانه مورد نظر (کتیبه‌نگاری‌ها و تزئینات منقوش دو مدرسه چهارباغ و نیم‌آورد)، به اجرا درمی‌آورد. این پیام نمادین، بر اساس کارکرد رسانگی به مخاطب می‌رسد و گیرنده

یا مخاطب، با اساس قرار دادن مبانی نمادپردازی و کدگذاری، به کدگشایی و فهمیدن پیام‌ها می‌پردازد. پس در واقع می‌توان این‌گونه بیان داشت که روند نمادپردازی (کدگذاری) و نمادشناسی (کدگشایی)، هر دو با مبنا قرار دادن مراجع اطلاعاتی و در ارتباط مستقیم با آن‌هاست.

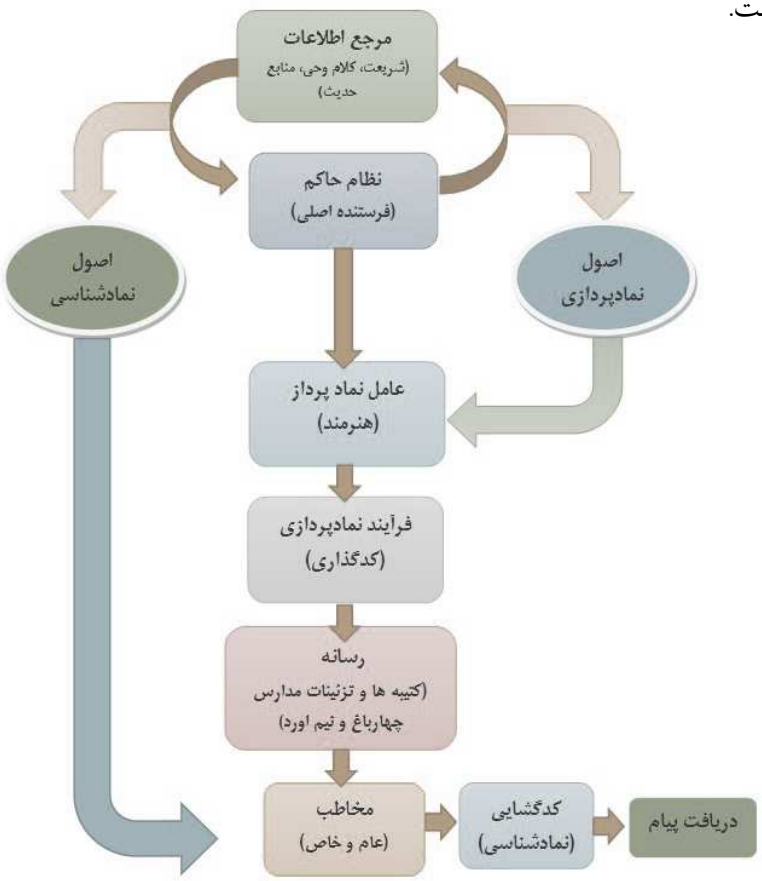

نمودار ۸. طرح‌واره مفهومی تبیین کارکرد نمادین در مدارس عصر صفویه اصفهان (منبع: نگارندگان) با الگوگیری از مدل درک نحوه انتقال پیام در هنر سنتی. (دوازده‌امامی و زکریایی، ۱۳۹۳، ص۵)

گفتنی است که نمونه‌های برگزیده که در ادامه مطالعه می‌شوند، علاوه بر تناسب با رویکرد پژوهش حاضر، به لحاظ کمیت و کیفیت نیز بهترین تزئینات دو بنا هستند.

۱. نمونه‌های منتخب از مدرسه چهارباغ

در ادامه، سه مورد از مهم‌ترین تزئینات این بنا مطالعه شده است. نمونه‌های منتخب ابتدا از حیث ساختار ظاهری، عناصر تصویری و مضامین و درون‌مایه مطالعه شده‌اند و در ادامه، مفاهیم اصلی و پیام‌های نمادین آن تحلیل می‌گردد.

نمونه الف: نمونه نخست مورد بررسی، کتیبه‌ای با درون‌مایه حدیث مشهور پیامبر ﷺ است که می‌فرمایند: «أنا مدینة العلم و علی بابها». این کتیبه به‌واسطه اهمیت فراوان در قسمت‌های مختلف بنا و با تکنیک‌های مختلف کاشی هفت‌رنگ و معقلی بر زمینه کاشی و با هنر قلم‌زنی بر زمینه فلز اجرا شده است. ویژگی‌های مهمی که در تجزیه و تحلیل ساختار و زیبایی‌شناسی این کتیبه‌ها می‌توان بیان نمود شامل ترکیب منسجم خط ثلث و نستعلیق در قاب‌بندی کتیبه‌ای، جلوه بصری حروف کشیده و فرم‌های منحنی حروف، بهره‌گیری از رنگ‌های نمادینی هم‌چون: لاجوردی و سفید، ایجاد تضاد رنگی و بافتی برای خوانایی و تأکید بیش‌تر است. هم‌چنین برگزیدن این حدیث و محل‌های قرارگیری آن با کاربری بنا بسیار متناسب است؛ به‌گونه‌ای که می‌توان سیری منظم بر آن ترسیم نمود که از این قرار است: مدرسه در جایگاه مکان علم‌آموزی، در تناسب کامل با این مفهوم اعتقادی ـ مذهبی است که پیامبر ﷺ به‌منزله شهر دانش هستند، هم‌چنین سردر و عناصر ورودی این بنا به عنوان مسیر ورودی مکان علم‌آموزی، جایگاه ویژه حضرت علی علیه‌السلام به‌عنوان راه و مسیر روشن ورود به دنیای علم و حکمت را به زبانی نمادین به ما ارائه می‌کند. سیر مذکور، این موضوع را اثبات می‌کند که هنرمند شیعی، علاوه بر ریشه‌یابی در تقدسات دینی و استفاده از آن‌ها در تزئینات معماری، ترتیب فضا و محل اجرای اثر هنری را نیز به دقت در نظر داشته است.

تصویر ۱، ۲ و ۳. نمونه الف: کتیبه سردر ورودی، هشتی ورودی و درب فلزی مدرسه چهارباغ (منبع: نگارندگان)

نمونه ب: نمونه دوم مورد مطالعه از بنای چهارباغ، کتیبه‌ای با درون‌مایه حدیث قدسی از زبان پیامبر ﷺ است. این کتیبه به جهت اهمیت و جایگاه ویژه، در مرتفع‌ترین قسمت مناره بنا قرار گرفته که به‌گونه‌ای، نشان‌دهنده نهایت تلاش هنرمند مسلمان شیعه برای تقرب به پروردگار از طریق اجرای کتیبه‌ای با این مضمون است. مهم‌ترین نکاتی که در مورد جلوه‌های بصری و زیبایی‌شناسی ساختار این کتیبه می‌توان بیان نمود، عبارتند از: بهره‌گیری از خط ثلث با محوریت خط کرسی میانی، استفاده از کشیدگی حروف به تناسب فرم بالارونده مناره، تضاد رنگی جذاب خط و زمینه برای جلوه و خوانایی بیش‌تر، و بهره بردن از رنگ زرد برای زمینه که قدرت جذب‌کنندگی بالایی دارد. از ساختار ظاهری که بگذریم، درون‌مایه به‌کاررفته در این کتیبه به این شرح است:

«قال رسول الله صلی‌الله علیه و آله و سلم ان علیا منی و انا من علی و هو مولی کل مؤمن بعدی لا یودی عنی الا انا او علی. قال رسول الله صلی‌الله علیه و آله انا و علی من نور واحد». (هنرفر، ۱۳۵۰، ص۷۱۶)

ترجمه آن به فارسی از این قرار است: «پیامبر خدا ـ که درود و سلام خدا بر او و خاندانش باد ـ فرمود: «علی از من است و من از علی هستم؛ او بعد از من مولای هر مؤمنی است. هیچ‌کس حق ندارد از طرف من چیزی را ادا کند مگر من یا علی علیه‌السلام» (وظایف ما را جز ما دو نفر شخصی نمی‌تواند انجام دهد به زبان ساده، اشاره به جایگاه بی‌نظیر و یگانه پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و حضرت علی علیه‌السلام دارد). پیامبر خدا ـ که درود خدا بر او و خاندان پاکش باد ـ فرمود: «من و علی از یک نور هستیم». مضمون این کتیبه که از متون حدیثی برگزیده شده، در تناسب کامل با مکان قرارگیری، نحوه اجرا و کاربری بناست، به‌گونه‌ای که هنرمند، مرتفع‌ترین مکان، ابعاد بزرگ حروف و رنگ‌های جذابی را برای بازتاب این پیام مهم برگزیده است. بر این اساس، اصلی‌ترین پیام نمادینی که از طریق این رسانه به مخاطبان انتقال می‌یابد شامل بیان جایگاه ویژه حضرت‌علی علیه‌السلام به‌عنوان جانشین و همراه پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و سرپرست و امام هر مؤمن و الگوسازی این شخصیت بزرگ به عنوان سمبل و نماد هنر شیعی است. هم‌چنین قرارگیری کتیبه‌هایی در اطراف کتیبه اصلی با درون‌مایه نام مبارک خداوند، پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و حضرت‌علی علیه‌السلام، تأکیدی بر مطلب پیشین است. این پیام‌ها و مفاهیم، در تناسب کامل با مرجع آن یعنی دین اسلام و مذهب تشیع، منابع حدیث و سیاست مذهبی حاکم در عصر صفویه است. علاوه بر این، قرارگیری کتیبه‌های معقلی با درون‌مایه نام حضرت علی علیه‌السلام در کنار نام مبارک الله و حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله، تأکیدی بر پیام نمادین و مفاهیم این کتیبه است و به‌نوعی چشم بیننده را به این کتیبه شاخص هدایت می‌نماید.

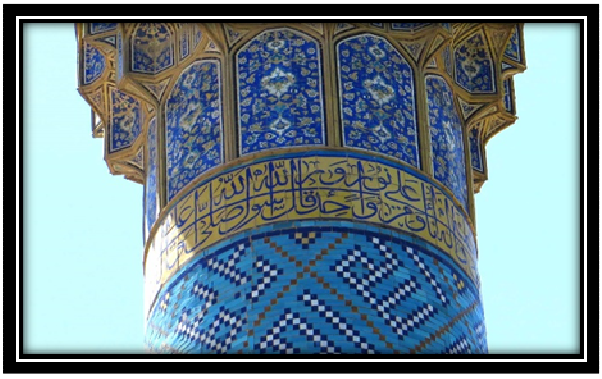

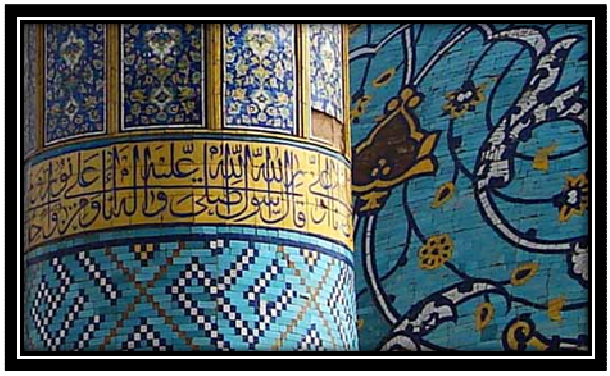

تصویر ۴ و ۵. نمونه ب: کتیبه مناره مدرسه چهارباغ (منبع: نگارندگان)

نمونه ج: نمونه سومی که در این قسمت از بنای چهارباغ برگزیده شده، عظیم‌ترین کتیبه قرارگرفته در اطراف گنبد بنا است. این کتیبه را که دارای تاریخ و امضاست، خطاط مشهور عصر صفویه یعنی عبدالرحیم جزایری، در سال ۱۱۲۲ نگاشته شده است. مهم‌ترین ویژگی‌هایی که در بعد تجزیه و تحلیل ساختار این کتیبه عظیم می‌توان بیان نمود عبارتند از: بهره‌گیری از ترکیب‌بندی منسجم حروف ثلث در ابعاد گوناگون، ایجاد تمایز تیره و روشن از طریق روشنی رنگ سفید حروف و تیرگی رنگ آبی لاجوردی زمینه، قرارگیری کتیبه به‌صورت کمربندی لاجوردی در میان فضای فیروزه‌ای گنبد که باعث جلب‌توجه مخاطب می‌گردد. علاوه بر این، دیگر عناصر قسمت پایینی گنبد و از جمله حروف بزرگ کتیبه کوفی (که یکی از مشهورترین اذکار شیعه یعنی صلوات بر حضرت محمد و آل ایشان را دربردارد) و هم‌چنین تاق‌نماهای مشبک اطراف گنبد نیز چشم مخاطب را به سمت این کتیبه هدایت می‌نماید. همان‌گونه که بیان گردید، کتیبه مذکور بسیار طولانی است لذا گلچینی از متن آن بدین شرح است:

«الصلاه و السلام علی خاتم‌الانبیاء ... و علی آله الطیبین الاخیار و صحبه المنتجبین الابرار لاسیما اخیه و وصیه و مستودع علمه و موضع سره و باب حکمته و خلیفته فی امته، الداعی الی شریعته علی بن ابی‌طالب علیه وعلی اولاده سلام‌الله ...». (هنرفر، ۱۳۵۰، ص۷۱۸)

ترجمه آن به فارسی چنین است:

«سلام بر پیامبر ﷺ و خاندان پاک و برگزیده ایشان و یاران منتخب نیکوکارش به‌ویژه برادر و جانشین و امانت‌دار دانش و جایگاه راز و دروازه دانش (حکمت) و خلیفه و جانشین او در بین امت که مردم را به دین او دعوت نمود، یعنی علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام که درود خداوند فرمان‌روای بخشنده بر او و فرزندانش باد!».

قرارگیری این کتیبه در بالاترین مکان بنا (که به‌گونه‌ای نماد نهایت هنر ارائه‌شده توسط هنرمند و پرچم برافراشته این بناست) در کنار رنگ متمایزکننده آن و دیگر ویژگی‌ها، به گونه‌ای تأکید بر این کتیبه عظیم و اهمیت مضامین و درون‌مایه آن است. مفاهیم و پیام‌های انتقال‌یافته توسط این کتیبه در تناسب کامل با مبانی اعتقادی شیعه و سیاست مذهبی رایج در عصر صفویه است. این پیام‌ها و مفاهیم شامل بیان جایگاه ویژه حضرت علی علیه‌السلام به‌عنوان امام اول شیعیان، جانشین پیامبر ﷺ و هدایت‌کننده مردم است. هم‌چنین در محتوای این کتیبه، بر رتبه علمی بالای حضرت علی علیه‌السلام نیز تأکید شده که در تناسب کامل با کارکرد علمی بناست. مضامین کتیبه‌های اطراف این کتیبه نیز در تقویت پیام نمادین و الگوسازی از شخصیت حضرت علی علیه‌السلام به‌عنوان سمبل هنر شیعی و الگوی مسلمانان، مؤثر است.

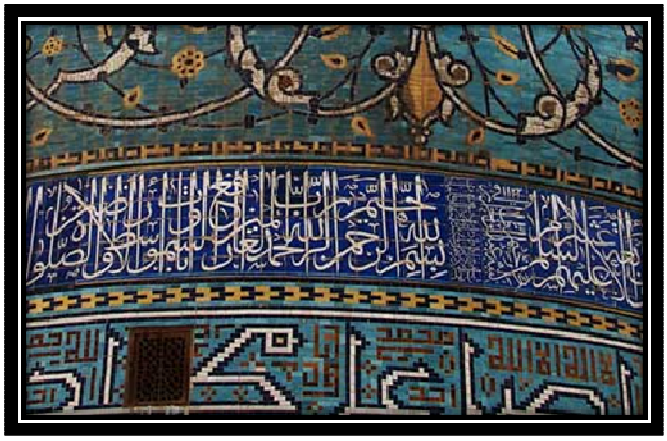

تصویر ۵ و ۶. نمونه ج از مدرسه چهارباغ (منبع: نگارندگان)

۲. نمونه‌های منتخب از مدرسه نیم‌آورد

در ادامه، به سه مورد از مهم‌ترین تزئینات مدرسه نیم‌آورد اشاره شده است. این نمونه‌ها به لحاظ اهمیت، جزء مهم‌ترین تزئینات بنا هستند. نمونه‌های برگزیده، ابتدا از حیث ساختار ظاهری و مضامین و درون‌مایه آن‌ها مطالعه شده‌اند و در ادامه، مهم‌ترین پیام‌ها و مفاهیم نمادین آن تحلیل می‌گردد.

نمونه الف: نخستین نمونه منتخب از مدرسه نیم‌آورد در نمای بیرونی ایوان شمالی قرار گرفته است. این اثر مکتوب و منقوش که در نقطه طلایی ایوان و محل توجه مخاطبان اجرا شده است، ویژگی‌های ساختاری چشم‌گیری دارد که از مهم‌ترین آن‌ها، تمایز رنگی نقش و زمینه برای جلوه بیش‌تر نقش مرکزی، استفاده از فرم کتیبه در کتیبه، ریزنگاری زمینه با بهره‌گیری از تکنیک معرق کاشی و هماهنگی رنگ‌ها، انتخاب دو الگوی اصلی مطرح در مبانی هنر شیعی یعنی حضرت علی علیه‌السلام به‌عنوان نقش؛ و شمسه که نمادی از حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله است به‌عنوان زمینه؛ که در تصاویر ۶، ۷ و ۸، عناصر نقش و زمینه به تفکیک آورده شده است. در بعد تحلیل محتوا و استخراج مفاهیم، می‌توان بیان نمود که همراهی نقش و زمینه در این اثر، به‌نوعی بازتاب‌دهنده پیام نمادین همراهی دو شخصیت

پیامبر ﷺ و حضرت علی علیه‌السلام و تأکید بر مقام والای امامت در کنار نبوت (پیامبری) است. هم‌چنین ابعاد بزرگ کلمه «علی» در مرکز و ایجاد تمایز رنگی، تأکید بیش‌تری بر جایگاه ویژه حضرت علی علیه‌السلام به‌عنوان نماد هنر شیعی است. بر این اساس، بازتاب فرهنگ و سیاست مذهبی شیعه و مراجع آن هم‌چون: متن قرآن، منابع حدیث و مبانی مذهب تشیع در ساختار و محتوای این کتیبه، در جایگاه یک رسانه نمادین آشکار است. هم‌چنین مضمون بیان‌شده در کتیبه کوفی داخل فرم علی نیز تأکیدی بر پیام‌های نمادین این اثر است.

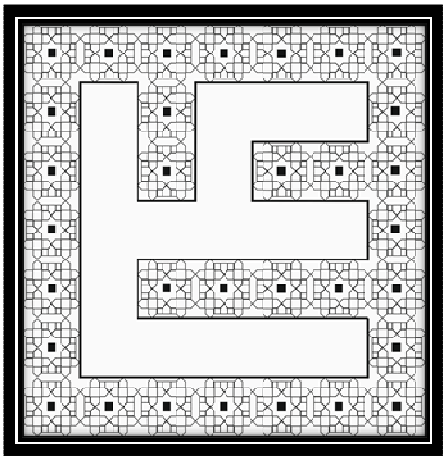

تصویر ۷. تصویر اصلی نمونه (الف) از مدرسه نیم‌آورد (منبع: نگارندگان)

تصویر ۸. آنالیز خطی (منبع: نگارندگان)

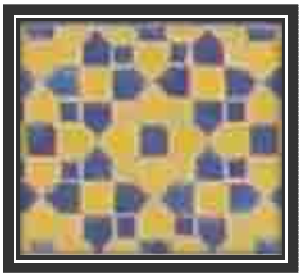

تصویر ۹. نمای نزدیک زمینه (منبع: نگارندگان)

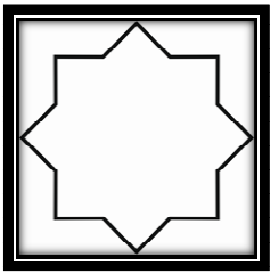

تصویر ۱۰. آنالیز خطی نقش زمینه (منبع: نگارندگان)

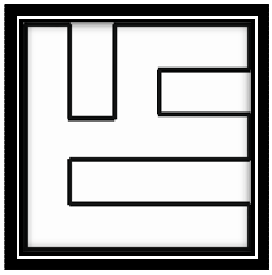

تصویر ۱۱. آنالیز خطی نقش مرکز (منبع: نگارندگان)

نمونه ب: اثر دیگر از مدرسه نیم‌آورد که در تصاویر ۹ و ۱۰ مشاهده می‌گردد، از نمای ایوان جنوبی بنا و دقیقاً مقابل اثر الف برگزیده شده است. این اثر که به نوعی مکمل نمونه پیشین به شمار می‌آید، دارای ویژگی‌های بصری زیادی است که شماری از آن‌ها با نمونه پیشین مشابهت دارد. از جمله مهم‌ترین این ویژگی‌ها می‌توان از فرم کتیبه در کتیبه، تنوع رنگی زمینه و تمایز آن با رنگ نقش برای جلوه و خوانایی بیش‌تر، نمایش نام محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله به عنوان طرح اصلی و فرم کتیبه کوفی مرکزی و بهره‌گیری از گره چهار علی به صورت نقش زمینه اشاره داشت که با ترکیب کاشی و آجر اجرا شده است. علاوه بر این موارد، تناسب چشم‌گیری میان ترکیب‌بندی کتیبه‌های کوفی با فرم قرارگیری آن وجود دارد که بر زیبایی‌شناسی اثر می‌افزاید. در بعد کارکرد نمادین و محتوایی این اثر نیز باید بیان نمود که نقش اصلی محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله با زمینه آن که با نام علی علیه‌السلام زینت یافته است، در تناسب کامل بوده و اشاره‌ای دقیق بر همراهی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و حضرت علی علیه‌السلام و مقام والای امامت در کنار نبوت است. هم‌چنین محتوای کتیبه‌های کوفی شهادتین، شیعی تأکیدی دوچندان بر جایگاه حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله و حضرت علی علیه‌السلام در مبانی اعتقادی شیعه دارد. این مفاهیم، در مجموع انتقال‌دهنده پیامی نمادین با محوریت حضرت علی علیه‌السلام به عنوان سمبل هنر شیعی است.

تصویر ۱۲. تصویر اصلی نمونه ب از مدرسه نیم‌آورد
(منبع: نگارندگان)

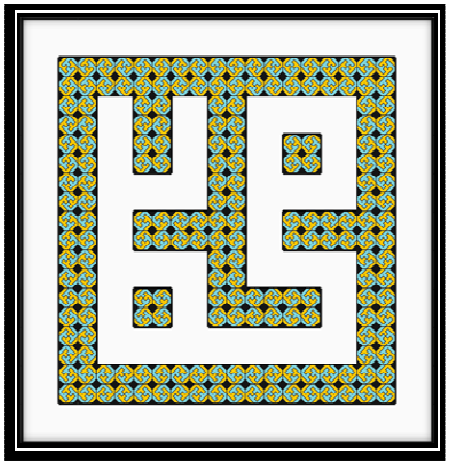

تصویر ۱۳. آنالیز خطی
(منبع: نگارندگان)

تصویر۱۴. دی تیل زمینه اثر
(منبع: نگارندگان)

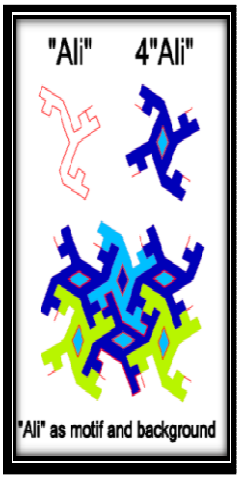

تصویر۱۵. آنالیز خطی نقش زمینه(منبع: نگارندگان)

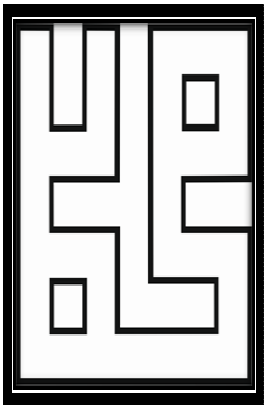

تصویر ۱۶. انالیز خطی طرح مرکزی
(منبع: نگارندگان)

نمونه ج: سومین نمونه‌ای که از مدرسه نیم‌آورد انتخاب گردیده، اثری نفیس از فضای داخلی ایوان جنوبی بناست. طرح کلی اثر از ترکیب سه واژه «الله»، «محمد» و «علی» تشکیل شده است که در تصاویر ۱۴ و ۱۵ مشاهده می‌گردد. این اثر دارای ویژگی‌های ناب ساختاری است که از مهم‌ترین آن‌ها ترکیب نقش، فرم و خوش‌نویسی در کنار بهره‌گیری از تمایز و تنوع رنگی در نمایش نقش مرکزی با رنگ‌های اخرایی (قرمز تیره) و فیروزه‌ای و شمسه با رنگ زرد است. در بعد تحلیل ساختار و محتوا نیز دو نوع نمادپردازی در این اثر بازتاب یافته است. نخست نمادپردازی عددی و دوم مفاهیم و محتوا. در بخش نمادپردازی عددی، تکرار هشت کلمه محمد ﷺ در فرم «شمسه هشت‌پر»، نمادی از پیامبر ﷺ و نمادی از عدد مقدس هشت نزد شیعیان است، هم‌چنین قرارگیری این شمسه در کنار تکرار نقش چهار علی که در مرکز قرار گرفته، در کل عدد دوازده را نمایش می‌دهد که نمادی از دوازده امام است. علاوه بر این، جمع تکرار نام علی در دو کتیبه بالا و پایین کتیبه اصلی هشت می‌شود که نمادی از امام هشتم شیعیان و دیگر مفاهیم نمادین این عدد است.

تصویر ۱۷. تصویر اصلی نمونه ج از مدرسه نیم‌آورد (منبع: نگارندگان)

تصویر ۱۸. آنالیز خطی و تفکیک عناصر(منبع: نگارندگان)

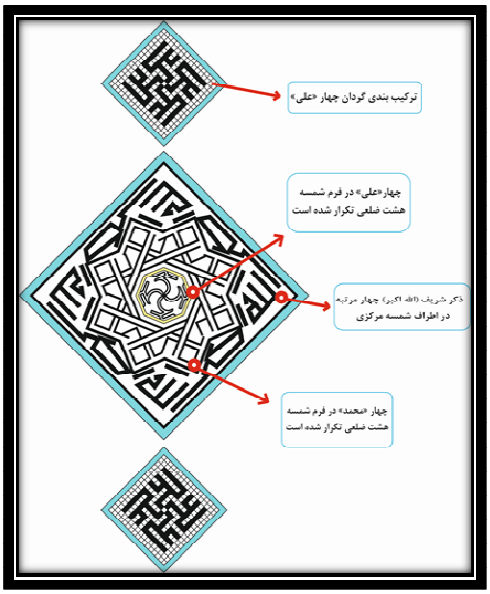

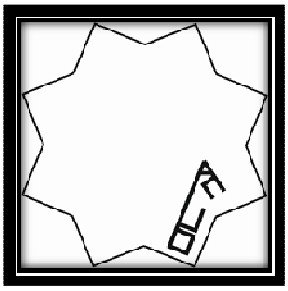

تصویر ۱۹. آنالیز خطی شمسه مرکزی تصویر

۲۰. نقش شمسه با تکرار هشت «محمد»

تصویر ۲۱. آنالیز خطی تصویر

۲۲. نقش چهار «علی» در مرکز

در بعد مفاهیم نمادین محتوای اثر نیز قرارگیری نام حضرت علی علیه‌السلام در مرکز فرم شمسه هشت که نمادی از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله است، تأکیدی بر جایگاه ویژه این شخصیت و به تبع آن امامت در مبانی هنر شیعی و ارتباط نزدیک با پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و اصل نبوت است.

نتیجه

مدارس چهارباغ و نیم‌آورد اصفهان از جمله مهم‌ترین نمونه بناهای مذهبی عصر صفویه هستند که کاربرد کتیبه‌ها و تزئینات منقوش در آن‌ها بسیار چشم‌گیر است. این کتیبه‌ها، با انواع خطوط ثلث، کوفی و نستعلیق و با همراهی نقوش و تزئیناتی اجرا شده‌اند و محتوای آن‌ها آیات قرآن، روایات، احادیث، اسماءالحسنی و دیگر مضامین دینی است.

در پژوهش حاضر، مدارس چهارباغ و نیم‌آورد و به خصوص کتیبه‌ها و تزئینات آن دو بنا، به عنوان رسانه‌هایی نمادین شناخته شدند. بر این اساس، ابتدا نحوه انتقال پیام در آن‌ها به صورت منظم در قالب نمودار تحلیل گردید. در این نمودار، تعامل میان حکومت صفویه با شریعت اسلام، فرهنگ شیعه، قرآن و منابع حدیث به صورت مراجع پیام نمادین و نمادپردازی و علاوه بر آن لازمه نمادشناسی و دریافت پیام معرفی گردیده است. هنرمند در این سیر، در جایگاه نمادپرداز و کدگذار معرفی شده که عمل نمادپردازی در کتیبه‌ها و تزئینات دو بنای چهارباغ و نیم‌آورد به عنوان رسانه‌های نمادین را بر عهده دارد. در مرحله بعد، این پیام‌ها از طریق این رسانه‌ها به مخاطبان انتقال می‌یابد. در مرحله بعد بر مبنای یافته‌های بخش پیشین، شش نمونه از مهم‌ترین کتیبه‌ها و تزئینات دو بنا به صورت هدف‌مند انتخاب گردید و از حیث ساختار، مضامین و در نهایت مهم‌ترین پیام‌های نمادین مطرح‌شده در آن‌ها تجزیه و تحلیل گردید.

بر اساس نتایج پژوهش حاضر، از جمله مهم‌ترین پیام‌های نمادینی مطرح در این کتیبه‌ها، بیان فضایل و جایگاه ویژه حضرت علی علیه‌السلام به عنوان نماد هنر شیعی و سیاست مذهبی عصر صفویه و اشاره‌های پرتعداد به امامت، جانشینی و جایگاه علمی ایشان است که زیربنای آن‌ها، باورهای ملی و تفکرات مذهبی شیعی رایج در این عصر بوده است. نکته قابل‌توجه دیگر، علاوه بر مفاهیم و پیام‌های نمادین کتیبه‌ها، تناسب چشم‌گیر محل قرارگیری و تکنیک اجرای آن‌ها با این مفاهیم است، به‌گونه‌ای که با توجه به اهمیت این کتیبه‌ها و هم‌خوانی آن‌ها با رسالت کلی بنا، نقاط طلایی هم‌چون نمای خارجی ایوان‌ها، محل‌های تدریس و عناصر ورودی بنا برگزیده شده است.

در پایان، این نتیجه کلی حاصل می‌گردد که کتیبه‌ها و تزئینات به‌کاررفته در بناهای علمی–مذهبی عصر صفویه و به طور شاخص مدارس نیم‌آورد و چهارباغ اصفهان، علاوه بر کارکرد زیبایی‌شناسی، به عنوان رسانه‌هایی نمادین شناخته می‌شوند و از جمله مهم‌ترین پیام‌ها و مفاهیمی به‌کاررفته در آن‌ها، بیان جایگاه شاخص حضرت علی علیه‌السلام به عنوان امام و نماد شیعه در قالب متن و تصویر است. با توجه به ظرفیت بالای پژوهشی بالای مدارس و بناهای علمی عصر صفویه، پژوهش درباره دیگر بناها برای مطالعات آتی پیشنهاد می‌گردد.

فهرست منابع

۱. اشکوری، سیدصادق، **اسناد موقوفات اصفهان**، زیر نظر اداره کل اوقاف و امور خیریه اصفهان، قم: مجمع ذخایر اسلامی، ۱۳۸۷.

۲. ایمانیه، مجتبی، **تاریخ فرهنگ اصفهان**، اصفهان: انتشارات دانشگاه اصفهان، ۱۳۵۵.

۳. ایمنی، عالیه، «قابلیت‌های تصویری نمادها در هنر دینی»، **کتاب ماه هنر**، ش۱۵۲، ص۸۲-۸۸، سال ۱۳۹۰.

۴. بخشی استاد، موسی‌الرضا و رمضان رضایی، «نقش مدارس عصر صفویه در گسترش تشیع دوازده‌امامی». **نشریه ادیان و عرفان**، سال چهل و هفتم. ش۲، سال ۱۳۹۳.

۵. بورکهارت، تیتوس، **اصول و روش‌های هنر مقدس**، ترجمه جلال ستاری. تهران: انتشارات سروش، ۱۳۶۹.

۶. ــــــــــــــ ، **هنر اسلامی، زبان و بیان**، ترجمه مسعود رجب‌نیا، تهران: انتشارات سروش، ۱۳۶۵.

۷. پوپ، آرتر آپم و فیلیس اکرمن، **سیری در هنر ایران، از پیش از تاریخ تا امروز**، ج۳، چاپ اول. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۷.

۸. ترکمنی‌آذر، پروین. **تاریخ سیاسی شیعیان اثناعشری در ایران (از ورود مسلمانان به ایران تا تشکیل حکومت صفویه)**، قم: انتشارات شیعه‌شناسی، ۱۳۸۳.

۹. تشکری، فاطمه، «نمادپردازی در هنر اسلامی»، **نشریه اطلاعات حکمت و معرفت**، ش۶۶، ص۳۴-۳۹، سال ۱۳۹۰.

۱۰. تقی‌زاده، محمد، **مبانی هنر دینی در فرهنگ اسلامی**، ج۱، چاپ دوم، تهران: نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۷.

۱۱. جابری انصاری، حسن، **تاریخ اصفهان**، اصفهان: نشر مشعل، ۱۳۷۸.

۱۲. حاجی قاسمی، کامبیز، **گنج‌نامه (فرهنگ آثار معماری اسلامی ایران)**، ج۵، تهران: دانشگاه شهید بهشتی با هم‌کاری سازمان میراث فرهنگی، ۱۳۷۹.

۱۳. دوازده امامی، مهدی و ایمان زکریایی، **نماد طاووس و نقش رسانه‌ای آن در معماری شیعی با تأکید بر مساجد عصر صفوی اصفهان**، کنگره بین‌المللی فرهنگ و اندیشه دینی، قم: مرکز راهبری مهندسی فرهنگی شورای فرهنگ عمومی استان بوشهر، ۱۳۹۳.

۱۴. ریاحی، محمدحسین، «موقوفات ماندگار بانوان از اصفهان عصر صفوی»، **نشریه وقف میراث جاویدان**، ش۷۱، ص۱۴۳–۱۶۸، سال ۱۳۸۹.

۱۵. ــــــــــــــ ، **ره‌آورد ایام** (مجموعه مقالات اصفهان‌شناسی)، اصفهان: سازمان فرهنگی ـ تفریحی شهرداری، ۱۳۸۵.

۱۶. صالحی تبریزی، منا و لیدا بلیلان، **جایگاه نمادپردازی عددی در معماری مدارس اسلامی ایران**، دومین کنفرانس بین‌المللی یافته‌های نوین پژوهشی در مهندسی عمران، معماری و مدیریت شهری، تهران: ۱۳۹۵.

۱۷. فراست، مریم، «نماد و نمود نام علی علیه‌السلام در هنر فلزکاری صفویه و قاجار»، **کتاب ماه هنر**، ص۷۶–۸۳، تهران: سال ۱۳۸۷.

۱۸. کریمی، سعید، «نمادهای آیینی»، **کتاب ماه هنر**، ص۱۱۲–۱۱۷، تهران: مرداد و شهریور ۱۳۸۱.

۱۹. کوثری، مسعود، «هنر شیعی در ایران»، **نشریه جامعه‌شناسی هنر و ادبیات**، سال سوم، ش۱، سال ۱۳۹۰.

۲۰. مشکوتی، نصرت‌الله، **فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران**، تهران: وزارت فرهنگ و هنر، ۱۳۴۹.

۲۱. ملازاده، کاظم و مریم محمدی، «مدارس و بناهای مذهبی»، **دائرةالمعارف بناهای تاریخی ایران در دوره اسلامی**، ش۵، تهران: انتشارات سوره مهر، ۱۳۸۱.

۲۲. موسوی فریدنی، محمدعلی، **اصفهان از نگاهی دیگر**، اصفهان: نقش خورشید، ۱۳۷۸.

۲۳. نصر، سیدحسین، **علم و تمدن در اسلام**، ترجمه احمد آرام، چاپ دوم، تهران: انتشارات خوارزمی، ۱۳۵۹.

۲۴. هنرفر، لطف‌الله، **گنجینه آثار تاریخی اصفهان**، چاپ دوم، اصفهان: چاپ و انتشار کتاب‌فروشی ثقفی، ۱۳۵۰.

۲۵. هولود، رناتا، **اصفهان در مطالعات ایرانی**، ترجمه محمدتقی فرامرزی، تهران: فرهنگستان هنر، ۱۳۸۵.

26. Pope, Arthur Upham (1994), Iranian architecture, translated by Gholam Hossein Afshar, Tehran: Cultural Publications.

27. Burckhardt, Titus (1986),Islamic art, Language and speech, translated by Masoud Rajbnia Tehran: Soroush Publication.